

بسم الله الرحمن الرحيم

راه کارهای قرآنی فرهنگ سازی نماز

احمد داوری^۱

Davariahad.blog.ir

چکیده:

رویکرد معنادار قرآن کریم در روشمندی، تثبیت و تقویت فرهنگ اقامه نماز، نوید بخش تعالی فرهنگ اسلامی در ابعاد مختلف زندگی فردی و اجتماعی شده و باعث تعالی اندیشه، معرفت و رفتار مسلمانان می گردد، از این روی این نوشتار با تحلیل آیات قرآن و با توجه به زمان، فضا و جو نزول آیات و سوره های قرآن کریم و مخاطبان آن آیات در مکه و مدینه، مهم ترین راه کارهای قرآنی فرهنگ سازی نماز را بدین شرح تبیین کرده است: جامع نگری برای فرهنگ سازی، استمرار در فرهنگ سازی، فرهنگ سازی با همه امکانات موجود، استفاده از ظرفیت عموم مردم، تبیین فرهنگ صحیح آنگاه انکار یا اصلاح فرهنگ های نادرست، ابتدا تثبیت کلیات آنگاه تبیین جزئیات، تفاوت اولویت های اشخاص برای فرهنگ سازی، آسیب شناسی مسأله، تذکر کمال فرهنگ و تعالی آن و مدیریت برنامه ریزی بر محور نماز.

واژگان کلیدی: نماز، فرهنگ سازی، تعالی فرهنگ، بیان تدریجی، مخاطب نگری، قرآن کریم.

۱. دانشجوی دکتری تفسیر تطبیقی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، پست الکترونیکی ahaddavari@gmail.com

قرآن کریم برای فرهنگ سازی نماز، راهنمایی هایی ارائه کرده که تحلیل این راهنمایی ما را به راه کارهای تعالی فرهنگ سوق می دهد. نگرش کلی به آیات قرآن کریم که در باره نماز بحث می کنند (چه آیاتی که با واژه نماز یا صلاة به مسأله پرداخته اند و چه آیاتی که به طور ضمنی به نماز اشاره می کنند) بیانگر نهایت اهمیت نماز در زندگی روزمره مسلمانان است به عنوان نمونه نماز از ویژگی های مومنان (مومنون: ۲ و ۹)، و متقیان (بقره: ۲ و ۳) شمرده شده و منافقان را به دلیل کسالت در نماز مورد نکوهش قرار داده است (نساء: ۱۴۲) آنگاه به مسلمانان دستور می دهد که از نماز کمک بگیرند؛ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ: ای کسانی که ایمان آورده اید از شکیبایی و نماز یاری جوئید (بقره: ۱۵۳) و گاهی به طور واضح از نقش نماز در مقابل دشمنان سخن به میان می آورد، از جمله در ماجرای حضرت شعیب علیه السلام سخن کفار را نقل می کند که می گفتند آیا نمازت به تو دستور می دهد که آنچه را پدران ما می پرستیده اند رها کنیم یا در اموال خود به میل خود تصرف نکنیم: قَالُوا يَا شُعَيْبُ أَصَلَاتُكَ تَأْمُرُكَ أَنْ تَتْرَكَ مَا يُعْبُدُ آبَاؤُنَا أَوْ أَنْ نَفْعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ: گفتند ای شعیب آیا نماز تو به تو دستور می دهد که آنچه را پدران ما می پرستیده اند رها کنیم یا در اموال خود به میل خود تصرف نکنیم (هود: ۸۷)، استفاده از واژه نماز به جای خدا یا دین بیانگر نهایت اهمیت نماز در دین بوده (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ج ۹، ص ۲۰۷؛ ابن عاشور، بی تا، ج ۱۱، ص ۳۱۳) و تحلیل ماجرا که سخن از رویارویی شعیب با دشمنانش می باشد بیانگر نهایت تأثیر نماز در مواجهه با دشمن است، و در جهان امروزی که دشمن با شیوه های گوناگونی از جمله تهاجم فرهنگی و جنگ نرم به مبارزه با اسلام می پردازد، می توان با استعانت از نماز در مقابل آنها ایستادگی کرد. لذا لازم است تا اهمیت نماز در رویکرد فرهنگی در کنار سایر نگرش ها مورد تحلیل قرار گیرد که یکی از این شیوه ها آشنایی با راه کار اسلام در فرهنگ سازی نماز است که با راه کارهای گوناگونی به آن پرداخته تا مردم را به فرهنگ متعالی برساند.

در کنار همه منابعی که مورد استفاده دین اسلام در استخراج احکام و قوانین مورد استفاده قرار می گیرد، قرآن جایگاه ویژه ای دارد و حداقل می توان این ادعا را مطرح نمود که استناد به نصوص و ظواهر قرآن مورد قبول عموم فرقه های مسلمان قرار می گیرد، از این روی بررسی راه کارهای تعالی فرهنگ نماز از دیدگاه قرآن کریم، علاوه بر تبیین روش، رویکرد تقریبی نیز به ارمغان خواهد آورد؛ چرا که اگر مراحل تثبیت فرهنگ نماز و راه کارهای قرآن کریم در نهادینه سازی فرهنگ نماز در بین مردم تبیین شود شیوه ای کاربردی برای فعالیت های فرهنگی امروزی ارائه خواهد نمود که قرآن برای هدایت همه بشر آمده (هُدًى لِّلنَّاسِ؛ بقره: ۱۸۵) و برای همه عصر ها و نسل ها نازل شده است و به گفته خود، کتابی جهان شمول است و اختصاصی به زمان و مکان، نژاد، آداب و سنن خاص ندارد (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ص ۳۱۳) تذکری برای جهانیان (ذِكْرَىٰ لِّلْعَالَمِينَ؛ انعام: ۹۰) و هشدار دهنده بشریت (نَذِيرًا لِّلْبَشَرِ؛ مدثر: ۳۶) است. تا آنها را از ظلمات به نور رهنمون سازد؛ كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ: کتابی است که آن را

به سوی تو فرود آوردیم تا مردم را به اذن پروردگارشان از تاریکیها به سوی روشنایی بیرون آوری به سوی راه آن شکست ناپذیر ستوده (ابراهیم: ۱).

از سوی دیگر ارائه راهکارها با توجه رویکرد معنا دار قرآن کریم، راه درمان برخی آسیب های احتمالی را بر طرف کرده و به زندگی، شیوه فرهنگ سازی، امر به معروف و نهی از منکر و مسئولیت پذیری اجتماعی جهت می بخشد.

در باره شیوه تحول فرهنگی در قرآن کریم برخی کتب و مقالات نوشته شده است از جمله کتاب فرهنگ آفرینی قرآن توسط لطف الله خراسانی و کتاب درآمدی بر اصول تحول فرهنگی قرآن کریم به قلم عبدالکریم بهجت پور که در هفت فصل به بررسی موضوع پرداخته است. همچنین محمد علی رضایی اصفهانی قسمتی از جلد چهارم منطق تفسیر را به بحث مزبور اختصاص داده و در کتب مربوط به قرآن و فرهنگ زمانه نیز مباحث مبسوطی مطرح شده است از جمله در کتاب قرآن و فرهنگ زمانه تالیف محمد علی ایازی، کتابی به همین نام محمد مصطفی مسعودی، پژوهشی در نسبت میان قرآن و فرهنگ زمانه اثر حیدر علی رستمی به مطالب مفیدی در باره فرهنگ زمان نزول قرآن اشاره شده است و مقالاتی نیز در این زمینه نوشته شده است، لیکن بررسی راهکارهای فرهنگ سازی نماز با نگرش به آیات قرآن مورد تحلیل قرار نگرفته است.

پژوهش حاضر در پی پاسخ به این سوال است که قرآن کریم از چه راهکاری برای تعالی فرهنگ مسلمانان با توجه به آیات مربوط به نماز بهره برده است؟ برای پاسخ به سوال فوق پس از مفهوم شناسی بحث، با تحلیل آیات قرآن کریم و با توجه ضمنی به فضا و جو نزول آیات قرآن کریم (رجبی، ۱۳۸۳، ص ۱۱۷-۱۲۸) به بررسی موضوع پرداخته می شود و چه بسا در برخی از موارد، ترتیب نزول آیات قرآن کریم یا حداقل توجه به مکی و مدنی بودن آیات و سور در نظر گرفته می شود، هر چند تبیین کامل موضوع نیازمند پژوهش های گسترده تر است.

۲. مفهوم شناسی

درک و انتقال معانی بدون به کارگیری الفاظ میسر نیست و تلقی غیر همسان از واژگان موجب بروز مشکل در انتقال و فهم مقصود می گردد، لذا گریزی نیست از اینکه واژگان محوری پژوهش مورد تحلیل قرار گرفته و تبیین گردند، از این روی لازم است تا به طور مختصر به بررسی مفهوم «فرهنگ» (با توجه به تفاوت های نظر محققان) و «نماز» (با عنایت به تعابیر گوناگون به کار رفته) اشاره شود.

۲.۱. فرهنگ

فرهنگ از پیشوند «فر»+ «هنگ» از ریشه تنگ تشکیل شده (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۱، ص ۱۷۱۳۲) و از لحاظ لغوی در معانی زیر به کار رفته است: علم و دانش (برهان، ۱۳۶۱، ج ۳، ص ۱۴۸۱؛ معین، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۲۵۳۸)، ادب و تربیت (عمید، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۱۸۳۷)، بزرگی و سنجیدگی، کتاب لغت فارسی (برهان، ۱۳۶۱، ج ۳، ص ۱۴۸۱)، مجموعه علوم و معارف و هنرهای یک قوم (معین، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۲۵۳۸)، آثار علمی و ادبی یک قوم یا ملت (عمید، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۱۸۳۷)، عقل و خرد (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۱، ص ۱۷۱۳۲)، آموزش

و پرورش، تعلیم و تربیت، امور مربوط به مدارس و آموزشگاه‌ها، تدبیر و چاره، مجموعه‌ای از آگاهی‌های فردی در باره هنر، ادبیات، علم سیاست و مانند آنها که کسی برای ارتقای فکری و تربیتی خود می‌آموزد (انوری، ۱۳۸۱، ج ۶، ص ۵۳۴۷). در دایره‌المعارف فارسی این واژه در علم مردم‌شناسی به معنی «راه و رسم زندگی یک جامعه» آمده است (مصاحب، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۱۸۵۹) و در فرهنگ بزرگ سخن اولین معنای این واژه چنین آمده است: «پدیده کلی پیچیده‌ای از آداب، رسوم، اندیشه، هنر و شیوه زندگی که در طی تجربه تاریخی اقوام شکل می‌گیرد و قابل انتقال به نسل‌های بعد است» (انوری، ۱۳۸۱، ج ۶، ص ۶۳۴۶). هر قوم و ملتی به مقتضای زمان و مکان و عواملی موثر بر آن شکل خاص و ساختار ویژه‌ای دارند که همان شکل و ساختار، منشأ تصمیم‌ها و انگیزه‌ها، حرکات و سکناات آن قوم و ملت خواهد بود که در قرآن کریم از این معنی به «شاکله» تعبیر شده است (حسینی دشتی، ۱۳۷۹، ج ۸، ص ۴۹) آنجا که می‌فرماید: قُلْ كُلُّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ بگو هر کس بر حسب ساختار [روانی و بدنی] خود عمل می‌کند (اسراء: ۸۴).

از جنبه اصطلاحی برای فرهنگ تعریف‌های گوناگونی صورت گرفته است (مثلاً داریوش آشوری در کتاب تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ تعارف متعددی را ذکر می‌کند)، برخی آن را «مجموعه رفتارهای اکتسابی و ویژگی‌های اعتقادی جامعه» دانسته‌اند و عده‌ای در تعریف آن آورده‌اند: «انبوه واکنش‌های حرکتی اکتسابی، فنون، اندیشه‌ها، ارزش‌ها و رفتار ناشی از آنها فرهنگ را تشکیل می‌دهند»؛ بنابراین جوهره اصلی فرهنگ «اندیشه و معرفت» است که به همه امور زندگی انسان از کوچکترین تا بزرگترین سطح ارتباط می‌یابد و رابطه فرد با همه امور زندگی را بیان می‌کند و انسان برای زندگی در جامعه آنها را یاد می‌گیرد و لذا اکتسابی است (بهبوان، ۱۳۷۹، ص ۵۳۸).

با توجه به تعریف فوق، عناصر عمده فرهنگ عبارتند از: ارزش‌ها، هنجارها و ارتباطات نمادین. این عناصر مبانی اندیشه و معرفت انسان را در همه امور و زمینه‌ها نشان می‌دهند و عضویت یک فرد را در جامعه امکان‌پذیر می‌سازند (بهبوان، ۱۳۷۹، ص ۵۴۰).

۲.۲. نماز

مراد از نماز در زبان فارسی عبادت مخصوصی است که مردم در برابر پروردگار خود انجام می‌دهند چه این عبارت مانند نمازهای یومیه واجب باشد و چه مستحبی، چه همانند نماز آیات به طور مقطعی خوانده شود و چه در طول مدت تکلیف به جای آورده شود. از آنجایی که بحث فعلی نماز با محوریت آیات قرآن مورد تحلیل قرار می‌گیرد لازم است تا واژه‌های مرتبط با نماز در قرآن تبیین شوند.

نماز در قرآن اغلب با واژه «صلاة» از ریشه «صلو» (مصطفوی، بی تا، ج ۶، ص ۲۷۲) یا سایر مشتقات این واژه از جمله المصلین، فصل، فلیصلوا و... به کار رفته است. صلاة در لغت به معنای ثنای جمیل مطلق است که شامل تحیت و غیر آن می‌شود (مصطفوی، بی تا، ج ۶، ص ۲۷۳)، برخی نیز اصل صلاة را به معنای دعا می‌دانند (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۴، ص ۴۶۴؛ راغب اصفهانی، بی تا، ص ۴۹۱) همانگونه که می‌فرماید: خذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ: از اموال آنان صدقه‌ای بگیر تا به وسیله آن پاک و پاکیزه‌شان سازی و برایشان دعا کن زیرا دعای تو برای آنان آرامشی است (توبه: ۱۰۳). صلاة خداوند بر رسولش رحمت و حسن ثنای اوست (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۴، ص ۴۵۶) و صلاة ملائکه دعا و استغفار است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۴، ص ۴۵۶؛ راغب

اصفهانی، بی تا، ص ۴۹۱؛ مرتضی زبیدی، بی تا، ج ۱۹، ص ۶۰۷) و به دلیل دعای و استغفار، نماز اصطلاحی را «صلاة» می گویند (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۴، ص ۴۵۶).

نکته قابل تامل این است که مراد از «صلاة» در همه مواردی که در قرآن به کار رفته نماز اصطلاحی نیست بلکه گاهی به معانی دیگری به کار رفته است مانند صلوات در آیه *وَلَوْ لَّا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهَدَمْتُ صَوَامِعُ وَيَبَعُ وَصَلَوَاتُ وَمَسَاجِدُ*: اگر خدا بعضی از مردم را با بعضی دیگر دفع نمی کرد صومعه ها و کلیساها و کنیسه ها و مساجدی که نام خدا در آنها بسیار برده می شود سخت ویران می شد (حج: ۴۰) که به معنای کنیسه یهودیان است و از واژه های دخیل می باشد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۱۳۹؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۴، ص ۳۸۵) هرچند در کنیسه نیز به عبادت و نماز می پردازند، لیکن واژه غیر عربی است. البته نماز در همه جای قرآن با واژه صلاة تعبیر نشده بلکه برخی واژگان دیگر در تفاسیر به نماز معنا شده اند مانند *وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدُ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا*: و پاسی از شب را زنده بدار تا برای تو [به منزله] نافلة ای باشد امید که پروردگارت تو را به مقامی ستوده برساند (اسراء: ۷۹) که به نماز شب تفسیر شده است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶، ص: ۶۷۱؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص: ۱۹۷؛ ابن عاشور، بی تا، ج ۱۴، ص: ۱۴۷) یا عبارت *وَالَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَامًا*: و آنانند که در حال سجده یا ایستاده شب را به روز می آورند (فرقان: ۶۴) که به معنای نماز در شب می باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۵، ص ۲۴۰)؛ برای تکمیل بحث باید این موارد را نیز مورد بررسی قرار داد.

۳. راه کار های قرآن برای فرهنگ سازی نماز

قرآن کریم برای تثبیت و تقویت فرهنگ نماز راه کارهایی را برگزیده که می توان مهم ترین آنها را به شرح زیر برشمرد؛ هرچند می توان برخی از این موارد را به عنوان مبانی در نظر گرفت، لکن از آنجایی که هر کدام بیانگر روش و شیوه انجام کار می باشند می توانند در سایر امور نیز مورد استفاده قرار گیرند، لذا با عنوان راه کار از آنها یاد می کنیم.

۱. ۳. جامع نگری برای فرهنگ سازی

اسلام دینی جامع است که همه ابعاد انسان و جامعه را مورد توجه قرار می دهد، در بحث فرهنگ نیز فرهنگ فردی و فرهنگ اجتماعی مد نظر قرار گرفته و راهنمایی های لازم ارائه شده است، از این روی در فرهنگ سازی نماز هم به جنبه های فردی اشاره شده و هم به جنبه های اجتماعی، هم جنبه های مادی مورد تامل واقع شده و هم جنبه های معنوی، هم جنبه های اخلاقی مورد توجه بوده و هم جنبه های اعتقادی و رفتاری؛ توضیح اینکه نماز از طرفی در کنار اموری چون قرائت قرآن قرار گرفته (*فَأَقْرُؤُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ*؛ پس هر چه از [قرآن] میسر شد تلاوت کنید و نماز را برپا دارید. مزمل: ۲۰) و از طرف دیگر مسأله نماز و کمک به نیازمندان با هم ذکر شده اند (*وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً*؛ در حقیقت کسانی که کتاب خدا را می خوانند و نماز برپا می دارند و از آنچه بدیشان روزی داده ایم پنهان و آشکارا انفاق می کنند. فاطر: ۲۹)^۱. همچنین گاهی نماز در برخی آیات در کنار امور اخلاقی یاد شده به عنوان

مثال تبعیت از شهوات با ضایع کردن نماز قرین گشته (فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ: آنگاه پس از آنان جانسینانی به جای ماندند که نماز را تباه ساخته و از هوسها پیروی کردند و به زودی [سزای] گمراهی [خود] را خواهند دید؛ مریم: ۵۹) و گاهی در کنار امور اجتماعی نظیر مشورت یاد شده (وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ: و نماز برپا کرده‌اند و کارشان در میانشان مشورت است؛ شوری: ۳۸) یا در کنار تبعیت از رهبر جامعه مورد توجه واقع شده (وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ: نماز را برپا کنید و زکات را بدهید و پیامبر [خدا] را فرمان برید؛ نور: ۵۶) یا برای اصلاح جامعه همگام با امر به معروف و نهی از منکر به کار رفته است (الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَمْرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ: همان کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم نماز برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و به کارهای پسندیده وامی‌دارند و از کارهای ناپسند باز می‌دارند؛ حج: ۴۱).

۲.۳. استمرار در فرهنگ سازی

قرآن کریم برای فرهنگ سازی نماز و تعالی آن به طور مستمر تلاش کرده و برنامه ای بلند مدت را وجه همت خود قرار داده و چه بسا تکرار را لازمه فرهنگ سازی دانسته است. قرآن از همان آغاز نزول با سوره علق^۲ از نماز یاد کرده (عَبْدًا إِذَا صَلَّى؛ بنده‌ای را آنگاه که نماز می‌گزارد؛ علق: ۱۰) و تاکید بر مطلب را در سوره های زیادی ادامه داده و در آخرین سوره های نازل شده یعنی مائده و توبه نیز به مسأله نماز تاکید نموده است از جمله در سوره مائده آیه ۶ (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ...: ای کسانی که ایمان آورده‌اید چون به [عزم] نماز برخیزید صورت و دستهایتان را تا آرنج بشویید...) و در سوره توبه آیه ۱۸ (إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ...: مساجد خدا را تنها کسانی آباد می‌کنند که به خدا و روز بازپسین ایمان آورده و نماز برپا داشته ...) به نماز اشاره های جالبی دارد.

استمرار و تکرار آیات قرآن شامل حالت های مختلفی گشته به طوری که علاوه بر شرایط عادی، در شرایط اضطراری نیز همچون مسافرت (وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ؛ و چون در زمین سفر کردید اگر بیم داشتید که آنان که کفر ورزیده‌اند به شما آزار برسانند گناهی بر شما نیست که نماز را کوتاه کنید؛ نساء: ۱۰۱) و جنگ (وَإِذَا كُنْتَ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلَاةَ فَلَنْتَقِمَ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ مَعَكَ وَلْيَأْخُذُوا أَسْلِحَتَهُمْ...؛ هر گاه در میان ایشان بودی و برایشان نماز برپا داشتی پس باید گروهی از آنان با تو [به نماز] ایستند و باید جنگ‌افزارهای خود را بگیرند؛ نساء: ۱۰۲) با شرایطی خاص دستور به نماز داده تا هیچگاه امر نماز مورد بی توجهی واقع نشود.

۳.۳. فرهنگ سازی با همه امکانات موجود

روش های مختلفی در قرآن کریم برای فرهنگ سازی نماز مورد استفاده قرار گرفته است به طوری که می توان گفت همه امکانات موجود و همه سبک های مختلف برای فرهنگ سازی نماز مورد عنایت قرآن بوده است؛ گاهی الگوهای نمازگزار برای مردم معرفی شده

است (عَبْدًا إِذَا صَلَّى؛ بنده‌ای را آنگاه که نماز می‌گزارد؛ علق ۱۰؛ إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ؛ ولی شما تنها خدا و پیامبر اوست و کسانی که ایمان آورده‌اند همان کسانی که نماز برپا می‌دارند؛ مائده: ۵۵) گاهی به شخص پیامبر دستور به نماز داده شده است (اتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ؛ آنچه از کتاب به سوی تو وحی شده است بخوان و نماز را برپا دار؛ عنکبوت: ۴۵) گاهی از بیان سایر پیامبران استفاده شده است (وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ وَأَخِيهِ أَنْ تَبَوَّءَا لِقَوْمِكُمَا بِمِصْرَ بَيْتًا وَاجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ؛ و به موسی و برادرش وحی کردیم که شما دو تن برای قوم خود در مصر خانه‌هایی ترتیب دهید و سراهایتان را رو به روی هم قرار دهید و نماز برپا دارید؛ یونس: ۸۷) گاهی سخن از زبان پدری حکیم به فرزندش است (يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ؛ ای پسرک من نماز را برپا دار؛ لقمان: ۱۷) گاهی سخن پیامبری است که اهل خود را به نماز امر می‌کند (وَأذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَّبِيًّا وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ؛ و در این کتاب از اسماعیل یاد کن زیرا که او درست‌وعده و فرستاده‌ای پیامبر بود خاندان خود را به نماز و زکات فرمان می‌داد، مریم: ۵۴ و ۵۵) و گاهی فواید نماز را ذکر کرده است (وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ؛ نماز را برپا دار که نماز از کار زشت و ناپسند باز می‌دارد، عنکبوت: ۴۵) و چه بسا با تحلیل آیات بتوان روش‌های دیگری را نیز به دست آورد، که بیان می‌کند برای فرهنگ‌سازی از هر شیوه ممکن می‌توان و باید استفاده کرد.

۳. ۴. استفاده از ظرفیت عموم مردم

از آنجایی که فرهنگ‌سازی توسط «عموم مردم» به صورت خواسته یا ناخواسته انجام می‌گیرد و تعالی آن نیز بر اساس عملکرد خود مردم می‌باشد، اسلام فرهنگ‌سازی نماز را وظیفه‌ای همگانی دانسته و همه مسلمانان را در این زمینه مسئول می‌داند؛ دستور همه مردم به نماز در جای جای قرآن با عباراتی نظیر «أَقِيمُوا الصَّلَاةَ» ذکر شده است (بقره: ۴۳؛ انعام: ۷۲؛ ابراهیم: ۳۱ و...) البته وظیفه خواص همچون امامان (به معنای خاص قرآن) نیز فراموش نشده است (وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ؛ و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما هدایت می‌کردند و به ایشان انجام دادن کارهای نیک و برپاداشتن نماز و دادن زکات را وحی کردیم؛ انبیاء: ۷۳) و چه بسا یکی از مهم‌ترین وظایف حکومت مومنان را اقامه نماز معرفی کرده است (الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِشِرْكَ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ؛ همان کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم نماز برپا می‌دارند؛ حج: ۴۱) تا از این طریق عموم مردم را به اقامه نماز هدایت کند.

۳. ۵. تبیین فرهنگ صحیح آنگاه انکار یا اصلاح فرهنگ‌های نادرست

قرآن کریم در فرهنگ‌سازی نماز، ابتدا نماز صحیح را معرفی نموده است و با طرق مختلف ثمرات و فواید نماز را برشمرده است. در اینجا شاید توجه به ترتیب نزول آیات قرآن کریم و حداقل مکی و مدنی بودن سور راهگاست. توضیح اینکه قرآن در سور مکی فقط به

معرفی نماز و نمازگزاران واقعی پرداخته است، گاهی خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در سوره ق که سی و چهارمین سوره نازل شده است می فرماید: وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَأَدْبَارَ السُّجُودِ؛ و پاره‌ای از شب و به دنبال سجود [به صورت تعقیب و نافله] او را تسبیح گوی (ق: ۴۰) و در سوره بعدی (سی و نهمین سوره نازل شده) در ادامه فرهنگ سازی برای تمسک کنندگان به کتاب اشاره کرده است که اقامه نماز می کنند و خداوند اجر آنها را ضایع نمی کند (وَالَّذِينَ يُمَسِّكُونَ بِالْكِتَابِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُصَلِّينَ؛ و کسانی که به کتاب [آسمانی] چنگ درمی زنند و نماز برپا داشته‌اند [بدانند که] ما اجر درستکاران را تباه نخواهیم کرد؛ اعراف: ۱۷۰) همچنین در چهل و هشتمین سوره نازل شده یکی از ویژگی های مومنان را اقامه نماز معرفی کرده است (الَّذِينَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ؛ همانان که نماز برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و خود به آخرت یقین دارند؛ نمل: ۳) در سوره اسراء (پنجاهمین سوره) اوقات نماز را بر شمرده (أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ؛ نماز را از زوال آفتاب تا نهایت تاریکی شب برپا دار و [نیز] نماز صبح را زیرا نماز صبح همواره [مقرون با] حضور [فرشتگان] است؛ اسراء: ۷۸) و در پنجاه و دومین سوره اوقات نماز با بیانی دیگر مطرح و تکمیل شده است (وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَزُلْفًا مِّنَ اللَّيْلِ؛ در دو طرف روز [=اول و آخر آن] و نخستین ساعات شب نماز را برپا دار؛ هود: ۱۱۴) و گاهی نمونه هایی از اقامه نماز پیامبران پیشین را ذکر کرده است تا مردم را تشویق کند (لقمان: ۱۷؛ ابراهیم: ۳۷؛ انبیاء: ۷۳ و...) چه بسا برای تثبیت نماز و تعالی آن، به برخی فواید اقامه دائمی نماز نیز اشاره نموده است (إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا إِنَّا الْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ؛ به راستی که انسان سخت آزمند [و بی تاب] خلق شده است چون صدمه‌ای به او رسد عجز و لابه کند و چون خیری به او رسد بخل ورزد غیر از نمازگزاران همان کسانی که بر نمازشان پایداری می‌کنند؛ معارج: ۱۹-۲۳)

قرآن پس از این فرهنگ سازی برای تثبیت کامل اقامه نماز مومنان، در سوره انفال که از سوره مدنی و هشتاد و هشتمین سوره نازل شده است بر نماز مشرکان ایراد گرفته و نماز آنها را کف و سوت معرفی کرده است (وَمَا كَانَ صَلَاتُهُمْ عِنْدَ الْبَيْتِ إِلَّا مُكَاءً وَتَصَدِيَةً؛ و نمازشان در خانه [خدا] جز سوت کشیدن و کف زدن نبود پس به سزای آنکه کفر می‌ورزیدید این عذاب را بچشید؛ انفال: ۳۵). نکته قابل تامل این است که حتی قبل از بیان ایراد نماز کفار، برخی اشکالات نماز مسلمانان مطرح شده است؛ از جمله در سوره ماعون (هفدهمین سوره نازل شده) می فرماید: فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ الَّذِينَ هُمْ يُرَاؤُونَ؛ پس وای بر نمازگزارانی که از نمازشان غافلند آنان که ریا می‌کنند (ماعون: ۴-۶).

۳.۶. ابتدا تثبیت کلیات آنگاه تبیین جزئیات

بررسی سیر نزولی آیات قرآن بیانگر آن است که قرآن در ابتدا کلیات نماز را از مردم خواسته سپس به ذکر جزئیات پرداخته است؛ مراد اول قرآن کلی گویی آیات مربوط به نماز است، عبارات کلی سور آغازین نزول قرآن بیانگر این مطلب است (عَبْدًا إِذْ أَسَلَى؛ بنده‌ای را آنگاه که نماز می‌گزارد؛ علق: ۱۰؛ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ؛ نماز را برپا دارید؛ مزمل: ۲۰؛ مدثر: ۴۳؛ کوثر: ۲ و...) سپس در سوره اسراء (پنجاهمین

سوره) جزئیات زمان اقامه نماز معرفی می شود (أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ؛ نماز را از زوال آفتاب تا نهایت تاریکی شب برپا دار؛ اسراء: ۷۸) و در سوره بقره از سور مدنی سخن از نماز و سَطِي (حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى؛ بر نمازها و نماز میانه مواظبت کنید؛ بقره: ۲۳۸) و نماز در شرایط ترس و خوف (فَإِنْ خِفْتُمْ فَرِجَالًا أَوْ رُكْبَانًا فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَأَدْكُرُوا اللَّهَ؛ پس اگر بیم داشتید پیاده یا سواره [نماز کنید] و چون ایمن شدید خدا را یاد کنید؛ بقره ۲۳۹) به میان می آید. در سوره نساء به شرایط جسمی نمازگزاران از جمله مست نبودن (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید در حال مستی به نماز نزدیک نشوید؛ نساء ۴۳) و حکم نماز در جنگ (وَإِذَا كُنْتَ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلَاةَ فَلْتَقُمْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ مَعَكَ...؛ هر گاه در میان ایشان بودی و برایشان نماز برپا داشتی پس باید گروهی از آنان با تو [به نماز] ایستند ... ؛ نساء: ۱۰۲) اشاره می کند و در سوره جمعه (صدو نهمین سوره نازل شده) به اقامه نماز جمعه (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید چون برای نماز جمعه ندا در داده شد به سوی ذکر خدا بشتابید و داد و ستد را واگذارید اگر بدانید این برای شما بهتر است؛ جمعه: ۹) و در سوره مائده (که از آخرین سوره های نازل شده است به کیفیت وضوی نماز (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ...؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید چون به [عزم] نماز برخیزید صورت و دستهایتان را تا آرنج بشویید و سر و پاهای خودتان را تا برآمدگی پیشین [هر دو پا] مسح کنید... ؛ مائده: ۶) اشاره کرده است. بدین ترتیب می توان گفت قرآن از کلیات شروع کرده سپس جزئیات را از مردم خواسته است.

۷.۳. آسیب شناسی مسأله

گاهی فرهنگ را آسیب هایی تهدید می کند و لازم است از این آسیب ها پیشگیری شود یا آسیب های اتفاق افتاده شناسایی و درمان گردند. فرهنگ نماز نیز از این قاعده کلی پیروی می کند. قرآن کریم در فرهنگ سازی نماز، آسیب شناسی کرده و موارد خطا را تذکر داده است؛ این موارد گاهی به طور کلی برای همه نمازگزاران مطرح شده است نظیر سوره ماعون که می فرماید: پس وای بر نمازگزارانی که از نمازشان غافلند آنان که ریا می کنند: فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ الَّذِينَ هُمْ يُرَآؤُونَ؛ پس وای بر نمازگزارانی که از نمازشان غافلند آنان که ریا می کنند؛ (ماعون: ۴-۶) و گاهی با ذکر امت های پیشین تبعیت از شهوات را به عنوان دلیل ضایع کردن نماز یا حداقل مرتبط با آن معرفی کرده است (أُولَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ مِنْ ذُرِّيَةِ آدَمَ وَمِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ وَمِنْ ذُرِّيَةِ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْرَائِيلَ وَمِمَّنْ هَدَيْنَا وَاجْتَبَيْنَا إِذَا تُتْلَى عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ فَسُوفَ يَلْقَوْنَ غِيًّا؛ آنان کسانی از پیامبران بودند که خداوند بر ایشان نعمت ارزانی داشت از فرزندان آدم بودند و از کسانی که همراه نوح [بر کشتی] سوار کردیم و از فرزندان ابراهیم و اسرائیل و از کسانی که [آنان را] هدایت نمودیم و برگزیدیم [و] هر گاه آیات [خدای] رحمان بر ایشان خوانده می شد سجده کنان و گریان به خاک می افتادند آنگاه پس از آنان جانشینانی به جای ماندند که نماز را تبه ساخته و از هوسها پیروی کردند و به زودی [سزای] گمراهی [خود] را خواهند دید؛ مریم: ۵۸ و ۵۹) و گاهی از منافقان یاد می کند که با کسالت برای نماز بر می خیزند: إِنَّ

الْمُنَافِقِينَ يَخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَى يُرَآؤُونَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا؛ منافقان با خدا نیرنگ می‌کنند و حال آنکه او با آنان نیرنگ خواهد کرد و چون به نماز ایستند با کسالت برخیزند با مردم ریا می‌کنند و خدا را جز اندکی یاد نمی‌کنند. (نساء: ۱۴۲)

۸. تفاوت اولویت های اشخاص برای فرهنگ سازی

در اندیشه اسلام و قرآن، فرهنگ سازی از رهبر جامعه آغاز می‌شود آنگاه به عموم مردم سرایت می‌کند، به بیان دیگر ابتدا فرد باید خود را با فرهنگ کند تا بتواند به دیگران نیز فرهنگ یاد دهد، همانگونه که امام علی علیه السلام می‌فرماید: مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ؛ آنکه خود را پیشوای مردم سازد، پیش از تعلیم دیگری باید به ادب کردن خویش پردازد (نهج البلاغه). کلمه قصار ۷۳؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۵۶). چرا که مردم سخنان کسی را که به گفتار خود پایبند و آثارش در زندگی او نمایان نیست نمی‌پذیرند (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰، ج ۱۲، ص ۴۳۷) قرآن کریم در آیات نورانی خود، خانواده های نمونه و رفتار شایسته آنان را از پیامبران و غیر آنها بیان می‌کند تا الگویی برای همه پیروان راستین حق و حقیقت باشند. خدای سبحان در کتاب خود به هر فرد مسلمان و مومنی دستور می‌دهد تا خود و خانواده خود را از تقوای الهی و هدایت قرآنی بهره مند سازد؛ بنابراین، روش هدایت قرآن از فرد و خانواده و عشیره آغاز می‌شود و به جامعه ایمانی سرایت می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۱؛ ص ۲۵۱-۲۵۳).

در آیات قرآن ابتدا سخن از نماز رهبر جامعه است که در آغاز نزول قرآن خداوند از نماز پیامبر یاد کرده (عَبْدًا إِذْ صَلَّى؛ بنده‌ای را آنگاه که نماز می‌گزارد؛ علق: ۹) و در سوره های بعدی برخی موارد دیگر را به پیامبر سفارش کرده است از قبیل نماز شب (إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْءًا وَأَقْوَمُ قِيْلًا؛ قطعاً برخاستن شب رنجش بیشتر و گفتار [در آن هنگام] راستین تر است؛ مزمل: ۶) آنگاه در سایر آیات و سوره، عموم مردم را به نماز دستور داده است؛ خداوند گاهی امر رهبر جامعه به نماز را از زبان پیامبران دیگر نقل می‌کند، به عنوان نمونه سخن حضرت عیسی علیه السلام در گهواره (وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا؛ و هر جا که باشم مرا با برکت ساخته و تا زنده‌ام به نماز و زکات سفارش کرده است؛ مریم: ۳۱) بیان می‌کند که حضرت مامور به نماز بوده است. همچنین قرآن از اسماعیل صادق الوعد^۱ نیز یاد می‌کند که خانواده خود را به نماز امر می‌کرد (وَأذْكُرُ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا؛ و در این کتاب از اسماعیل یاد کن زیرا که او درست‌وعده و فرستاده‌ای پیامبر بود خاندان خود را به نماز و زکات فرمان می‌داد و همواره نزد پروردگارش پسندیده [رفتار] بود؛ مریم: ۵۴ و ۵۵). در مورد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نیز امر خانواده به نماز دیده می‌شود (وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا؛ کسان خود را به نماز فرمان ده و خود بر آن شکیبا باش؛ طه: ۱۳۲). ترتیب منطقی ذکر شده فوق در تقدم و تاخر دعای حضرت ابراهیم علیه السلام نیز ملاحظه می‌گردد، آنجایی که از خداوند می‌خواهد تا او را اقامه کننده نماز قرار دهد و فرزندانش نیز اقامه کنندگان نماز گردند: رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءَ؛ پروردگارا مرا برپادارنده نماز قرار ده و از فرزندان من نیز پروردگارا و دعای مرا بپذیر. (ابراهیم: ۴۰).

۳. ۹. تذکر کمال فرهنگ و تعالی آن

انجام امور به کامل ترین شکل و زیباترین صورت ممکن مورد تحسین فطرت و عقل آدمی است. در مقوله فرهنگ هر چقدر فرهنگ متعالی و کامل تر باشد بیشتر مورد قبول مردم واقع می شود و اثر گذاری وسیع تری خواهد داشت، از این رو در قرآن کریم در فرهنگ سازی نماز برخی موارد متذکر شده است تا فرهنگ نماز را به تعالی و کمال برساند، هر چند که هر یک از راه کارهای ذکر شده قبلی نیز به نوعی به کمال فرهنگ نماز کمک می کند، لیکن قرآن به این موارد ضمنی اکتفا نکرده و به طور مستقیم مصادیقی از کمال فرهنگ نماز را نام برده است، به عنوان نمونه به ذکر نماز شب پرداخته است که اگر چه برای عموم مردم واجب نیست؛ لیکن برای تکمیل و کمال فرهنگ اقامه نماز لازم است. از جمله می فرماید: *إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْءًا وَأَقْوَمُ قِيْلًا*؛ قطعاً برخاستن شب رنجش بیشتر و گفتار [در آن هنگام] راستین تر است (مزمّل: ۶) و این عبارت را تکمیل کرده که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و گروهی از مردم یک سوم شب یا نیمی از آن را به تهجد می پردازند (*إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِنْ ثُلُثِي اللَّيْلِ وَنِصْفَهُ وَثُلُثَهُ وَطَائِفَةٌ مِّنَ الَّذِينَ مَعَكَ وَاللَّهُ يُقَدِّرُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ*....؛ در حقیقت پروردگارت می داند که تو و گروهی از کسانی که با تو اندازگی می کنند...؛ مزمّل: ۲۰) همچنین بیان می کند که نماز شب برطبق آیه و آن را [به نماز] برمی خیزد و خداست که شب و روز را اندازه گیری می کند...؛ مزمّل: ۲۰) همچنین بیان می کند که نماز شب برطبق آیه و *مِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَّكَ عَسَىٰ أَن يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا*؛ پاسی از شب را زنده بدار تا برای تو [به منزله] نافلة ای باشد امید که پروردگارت تو را به مقامی ستوده برساند (اسراء: ۷۹) باعث رسیدن به مقام محمود است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶، ص: ۶۷۱؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۴، ص: ۱۹۷؛ ابن عاشور، بی تا، ج ۱۴، ص ۱۴۷).

از دیگر کمالات نماز، اقامه نماز در اول وقت و محافظت بر اوقات نماز است که در سوره مومنون از ویژگی های مومنان معرفی شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ج ۱۴، ص ۲۰۱؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۳، ص: ۲۶۳): *قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ... وَالَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ*؛ به راستی که مؤمنان رستگار شدند همانان که در نمازشان فروتنند ... و آنان که بر نمازهایشان مواظبت می نمایند (مومنون: ۲ و ۹).

۳. ۱۰. مدیریت برنامه ریزی بر محور نماز

قرآن کریم نماز را محور برنامه ریزی سایر کارها برشمرده است، تا مردم امور خود را با نماز بسنجند و بر اساس اوقات نماز تنظیم نمایند. از جمله مواردی که در قرآن بر این راه کار در امور شخصی اشاره می کند می توان به زمان ورود فرزندان به اتاق اختصاصی والدین اشاره کرد که برنامه ریزی قرآن در این مسأله بر محور نماز می چرخد. (*يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَيْسَ أَذِنُكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِّن قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِّنَ الظُّهْرِ وَمِن بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَّكُمْ*)؛ ای کسانی که ایمان

آورده‌اید قطعاً باید غلام و کنیزهای شما و کسانی از شما که به [سن] بلوغ نرسیده‌اند سه بار در شبانه روز از شما کسب اجازه کنند پیش از نماز بامداد و نیمروز که جامه‌های خود را بیرون می‌آورید و پس از نماز شامگاهان [این] سه هنگام برهنگی شماست؛ نور: ۵۸)

از جمله امور اجتماعی که بر محور نماز تنظیم می‌شود مسأله شهادت دادن (یا اُيُّهَا الَّذِيْنَ آمَنُوا شَهَادَةُ بَيْنِكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ حِينَ الْوَصِيَّةِ اثْنَانِ ذَوَا عَدْلٍ مِّنْكُمْ أَوْ آخَرَانِ مِّنْ غَيْرِكُمْ إِنْ أَنْتُمْ ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَأَصَابَتْكُمْ مُصِيبَةُ الْمَوْتِ تَحْسِبُوهُمَا مِّنْ بَعْدِ الصَّلَاةِ فَيُقْسِمَانِ بِاللَّهِ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید هنگامی که یکی از شما را [نشانه‌های] مرگ در رسید باید از میان خود دو عادل را در موقع وصیت به شهادت میان خود فراخوانید یا اگر در سفر بودید و مصیبت مرگ شما را فرا رسید [و شاهد مسلمان نبود] دو تن از غیر [همکیشان] خود را [به شهادت بطلبید] و اگر [در صداقت آنان] شک کردید پس از نماز آن دو را نگاه می‌دارید پس به خدا سوگند یاد می‌کنند؛ مائده: ۱۰۶) و خرید و فروش در روز جمعه است که بر اساس نماز جمعه برنامه ریزی می‌گردد. (یا اُيُّهَا الَّذِيْنَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید چون برای نماز جمعه ندا در داده شد به سوی ذکر خدا بشتابید و داد و ستد را واگذارید اگر بدانید این برای شما بهتر است و چون نماز گزارده شد در [روی] زمین پراکنده گردید و فضل خدا را جويا شوید و خدا را بسیار یاد کنید باشد که شما رستگار گردید؛ جمعه ۹ و ۱۰)

۴. نتیجه گیری

بررسی راه‌کارهای فرهنگ سازی نماز در قرآن کریم، علاوه بر تبیین روش، و ارائه رویکرد تقریبی، راه درمان برخی آسیب‌های احتمالی را بر طرف کرده و به زندگی، شیوه فرهنگ سازی، امر به معروف و نهی از منکر و مسئولیت‌پذیری اجتماعی جهت می‌بخشد. فرهنگ در لغت به معنای علم و دانش، ادب و تربیت، آموزش و پرورش و... به کار رفته و در اصطلاح انبوه واکنش‌های حرکتی اکتسابی، فنون، اندیشه‌ها، ارزش‌ها و رفتار ناشی از آنها فرهنگ را تشکیل می‌دهند؛ بنابراین جوهره اصلی فرهنگ «اندیشه و معرفت» است که به همه امور زندگی انسان از کوچکترین تا بزرگترین سطح ارتباط می‌یابد و رابطه فرد با همه امور زندگی را بیان می‌کند و انسان برای زندگی در جامعه آنها را یاد می‌گیرد و لذا اکتسابی است.

نماز عبادت مخصوصی است که مردم در برابر پروردگار خود انجام می‌دهند چه این عبارت مانند نمازهای یومیه واجب باشد و چه مستحبی، چه همانند نماز آیات به طور مقطعی خوانده شود و چه در طول مدت تکلیف به جای آورده شود و در قرآن اغلب با واژه «صلاة» از ریشه «صلو» به کار رفته است. صلاة در لغت به معنای ثنای جمیل مطلق یا دعاست. صلاة خداوند بر رسولش رحمت و حسن ثنای اوست و صلاة ملائکه دعا و استغفار است.

قرآن کریم برای تثبیت و تقویت فرهنگ نماز راه‌کارهایی را برگزیده که می‌توان مهم‌ترین آنها را به شرح زیر بر شمرد: جامع‌نگری برای فرهنگ سازی، استمرار در فرهنگ سازی، فرهنگ سازی با همه امکانات موجود، استفاده از ظرفیت عموم مردم، تبیین فرهنگ صحیح

آنگاه انکار یا اصلاح فرهنگ های نادرست، ابتدا تثبیت کلیات آنگاه تبیین جزئیات، تفاوت اولویت های اشخاص برای فرهنگ سازی، آسیب شناسی مسأله، تذکر کمال فرهنگ و تعالی آن و مدیریت برنامه ریزی بر محور نماز.

۵. یادداشت ها:

۱. در آیات دیگری نیز به این موضوع اشاره شده است از جمله مدثر: ۴۲ و ۴۳؛ قیامت: ۳۱؛ مریم ۳۱ و ۵۱، نمل: ۳، مزمل: ۲۰؛ لقمان: ۴؛ ابراهیم: ۳۱؛ انبیاء: ۷۳؛ بقره: ۳ و ۸۳ و....
۲. ترتیب سوره های ذکر شده در این پژوهش، بر مبنای ترتیب ارائه شده در تفسیر همگام با وحی است؛ بهجت پور، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۱۱۷-۱۲۵)
۳. حتی با فرض پذیرش استثنایی بودن آیه مزبور در زمان نزول (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۵۶۵) نتیجه فرقی نخواهد کرد.
۴. برخی از مفسران این فرد را اسماعیل فرزند ابراهیم علیهما السلام معرفی کرده اند (طوسی، بی تا، ج ۷، ص ۱۳۳؛ مقاتل بن سلیمان، بی تا، ج ۲، ص ۶۳۱) درحالی که برخی دیگر وی را اسماعیل فرزند حزقیل علیهما السلام معرفی کرده اند که به اسماعیل صادق الوعد مشهور است (قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۵۱؛ ابن بابویه؛ ۱۳۸۶ق، ج ۱، ص ۷۷ و ۷۸؛ ابن قولویه، ۱۳۶۵، ص ۶۵؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۴، ص ۸۵؛ مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۳۹).

۶. فهرست منابع

قرآن کریم (ترجمه فولادوند)

نهج البلاغه (ترجمه شهیدی)

۱. آشوری، داریوش (۱۳۵۷)، **تعریف ها و مفهوم فرهنگ**، تهران: مرکز اسناد فرهنگی آسیا.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۶ ق)، **علل الشرایع**، نجف: حیدریه، ج ۲.
۳. ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۷۹ق)، **مناقب آل ابی طالب علیهم السلام**، قم: علامه، ج ۴.
۴. ابن عاشور، محمد بن طاهر (بی تا)، **التحریر و التنویر**، بیروت: موسسه التاریخ، چاپ اول، ج ۳۰.
۵. ابن قولویه، جعفر بن محمد (۱۳۶۵)، **کامل الزیارات**، نجف: مرتضویه.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، **لسان العرب**، بیروت: دار صادر، چاپ سوم، ۱۵ ج.
۷. انوری، حسن (۱۳۸۱)، **فرهنگ بزرگ سخن**، تهران: سخن، چاپ اول، ج ۸.
۸. ایازی، محمد علی (۱۳۷۸)، **قرآن و فرهنگ زمانه**، رشت: کتاب مبین، چاپ اول.

۹. برهان، محمد حسین بن خلف (۱۳۶۱)، برهان قاطع، تهران: امیر کبیر، چاپ چهارم، ج. ۵.
۱۰. بهجت پور، عبد الکریم (۱۳۸۸)، درآمدی بر اصول تحول فرهنگی، قم: بوستان کتاب، چاپ اول.
۱۱. بهجت پور، عبد الکریم (۱۳۹۳)، همگام با وحی: تفسیر تنزیلی به ترتیب نزول، ویرایش دوم، قم: تمهید، چاپ دوم، ج. ۳.
۱۲. بهروان، حسین (۱۳۷۹)، «آسیب شناسی فرهنگی در اندیشه امام علی علیه السلام»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، ش ۱۳۰-۱۳۱.
۱۳. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۱)، قرآن در قرآن (تفسیر موضوعی قرآن کریم جلد اول)، قم: اسراء، چاپ سوم.
۱۴. حسینی دشتی، مصطفی (۱۳۷۹)، معارف و معاریف: دایرة المعارف جامع اسلامی، ویرایش ۲، تهران: موسسه فرهنگی آریه، چاپ سوم، ج. ۸.
۱۵. خراسانی، لطف الله (۱۳۹۲)، فرهنگ آفرینی قرآن، قم: بوستان کتاب، چاپ اول.
۱۶. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغت نامه، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ دوم، ج. ۱۵.
۱۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (بی تا)، مفردات الفاظ القرآن، بیروت: دارالقلم، چاپ اول.
۱۸. رجیبی، محمود (۱۳۸۳)، روش تفسیر قرآن، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه، چاپ اول.
۱۹. رستمی، حیدرعلی (۱۳۹۲)، پژوهشی در نسبت میان قرآن و فرهنگ زمانه، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول.
۲۰. رضایی اصفهانی، محمد علی (۱۳۹۲)، منطق تفسیر قرآن، قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی صلی الله علیه و آله، چاپ اول، ج. ۵.
۲۱. سیوطی، عبدالرحمن بن ابوبکر (۱۴۰۴ ق)، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم: کتابخانه آیة الله مرعشی نجفی، چاپ اول، ج. ۶.
۲۲. طباطبایی، محمد حسین (۱۴۱۷ ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ اول، ج. ۲۰.
۲۳. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق، محمدجواد بلاغی، تهران: ناصر خسرو، چاپ سوم، ج. ۱۰.
۲۴. طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ج. ۱۰.
۲۵. عمید، حسن (۱۳۷۴)، فرهنگ عمید جغرافیا و تاریخ و اطلاعات عمومی، تهران: امیر کبیر، چاپ چهارم.
۲۶. فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ ق)، مفاتیح الغیب (التفسیر الکبیر)، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، ج. ۳۲.
۲۷. قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ ق)، تفسیر علی بن ابراهیم القمی، قم: دارالکتاب، چاپ سوم، ج. ۲.

-
۲۸. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۴ق)، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار عليهم السلام، بيروت: مؤسسة الوفاء، ۱۱۱ج.
۲۹. مرتضی زبیدی، محمد بن محمد (بی تا)، تاج العروس، تحقیق علی شیری، بیروت: دار الفکر، چاپ اول، ۲۰ج.
۳۰. مسعودی، محمد مصطفی (۱۳۹۲)، قرآن و فرهنگ زمانه، قم: موسسه بوستان کتاب، چاپ اول.
۳۱. مصاحب، غلامحسین (۱۳۸۰)، دایرة المعارف فارسی، تهران: امیر کبیر، چاپ دوم، ۲ج.
۳۲. مصطفوی، حسن (بی تا)، التحقیق فی کلمات القرآن، بیروت: دارالکتب العلمیة، چاپ سوم، ۱۴ج.
۳۳. معین، محمد (۱۳۶۳)، فرهنگ فارسی متوسط، تهران: امیر کبیر، چاپ ششم، ۶ج.
۳۴. مفید، محمد بن نعمان (۱۴۱۳ق)، الامالی، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، چاپ دوم.
۳۵. مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳ق)، تفسیر مقاتل بن سلیمان، بیروت: داراحیاء التراث، چاپ اول، ۵ج.
۳۶. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۹۰)، پیام امام امیر المومنین علیه السلام، شرح تازه و جامعی بر نهج البلاغه، تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۵ج.
۳۷. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۸۷)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیة، چاپ سی ام، ۲۷ج.